

بررسی و نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت (به عنوان سند بالادستی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران)

اکبر طلاکی طرقي^۱

چکیده

با عنایت به تدبیر مقام معظم رهبری مبنی بر قرار دادن سند الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سند بالادستی سیاست‌های کلی و قوانین برنامه‌ای کشور به شرط ارتقاء و تکمیل و حصول اطمینان از کفایت آن در جایگاه یادشده، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا سند موجود به لحاظ شکلی و محتوایی در این جایگاه خطیر - که آن را در سلسله مراتب حقوقی پس از قانون اساسی قرار می‌دهد - قرار دارد یا نیازمند اصلاح و ارتقاء است؟ این مقاله با این فرضیه که جایگاه سند در نظام حقوقی در محتوا و نحوه نگارش آن تاثیر مستقیم دارد، با روش تحلیل انتقادی محتوای سند و مقایسه آن با اسناد یاد شده، مدعی است که سند الگو به دلیل وجود آسیب‌ها و نقاط خلا جدی در بخش‌های مختلف آن از جمله؛ شباهت ساختاری و محتوایی با سیاست‌های کلی و عدم ابتکار در ارائه ادبیات متناسب با الگو به عنوان سند انتظار، نداشتن ارتباط و تناظر با مبانی، آرمان، رسالت و افق ترسیم شده در قانون اساسی، عدم توجه به اقتضات تدوین و اعمال سند در چارچوب دولت اسلامی، عدم ترسیم ابعاد نظام اسلامی مطلوب محقق‌کننده و پیشران سند، عدم تبیین چارچوب جامعه اسلامی به عنوان مقدمه ایجاد تمدن نوین اسلامی و عدم تبیین مفاهیم حقوقی نیازمند تحول بنیادین از جمله تغییر ادبیات، تعریف مفاهیم از منظر حقوق اسلامی، تبیین ارتباط با سایر اسناد حقوقی، حذف بخش تدابیر (واگذاری آن به سیاست‌های کلی) و ... با تکیه بر فقه نظام و دانش حقوق اساسی است.

واژه های کلیدی: سند الگو، سند انتظار، سیاست‌های کلی، دولت اسلامی، قانون اساسی، نظام اسلامی.

^۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران tala@ut.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مساله

مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۷ الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت (http://conference.olgou.ir/page_665.html) که از آن به عنوان «سند الگو» یاد می‌شود را در معرض همگان قرار داده و ضمن تاکید بر جایگاه سند به عنوان چارچوب بالادستی سیاست‌های کلی، به مجمع تشخیص مصلحت، مجلس، دولت، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی ابلاغ نمودند تا از جهت «قابلیت اجرا و تحول‌آفرینی» به ارائه «نکات ضروری» و «پیشنادهای عملی» پرداخته و به طور خاص از دانشگاهها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران خواستند تا «این سند را عمیقاً بررسی نمایند و با ارائه پیشنهادها مشخص برای ارتقای آن پیش از ترسیم هدف و مسیر پیشرفت کشور مشارکت جویند» به گونه‌ای که «از ابتدای قرن پانزده هجری شمسی اجرای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با مقدمات کافی و سرعت مطلوب آغاز شود و امور کشور بر مدار آن قرار گیرد». این امر نشان دهنده ضرورت آسیب شناسی دقیق و عمیق نسخه موجود برای تبدیل آن به «نسخه‌ی ارتقاء یافته» «حداکثر ظرف دو سال آینده برای تصویب و ابلاغ»^۱ (<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40693>) است. این سند که از سوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تهیه و پیشنهاد گردیده و دارای مقدمه و پنج بخش «مبانی» (مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی)، «آرمان‌ها»، «رسالت»، «افق» و «تدابیر» (در بند ۵۶) (<http://www.olgou.org>) است، می‌تواند از جنبه‌های مختلف بررسی و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. یکی از این

^۱ - مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مشورت مراجع مخاطب در بالا، برنامه زمانی بررسی نسخه حاضر الگو از سوی آنها را تنظیم و نظرات و پیشنهادها تکمیلی را دریافت و دقیقاً بررسی و بهره‌برداری کند. و ان‌شاءالله نسخه‌ی ارتقاء یافته الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را حداکثر ظرف دو سال آینده برای تصویب و ابلاغ ارائه نماید. پس از آن، برای آماده شدن همه‌ی دستگاههای کشور و کمک عمومی مردم برای اجرای الگو، زمانی اختصاص خواهد یافت، بطوری‌که ان‌شاءالله از ابتدای قرن پانزده هجری شمسی اجرای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با مقدمات کافی و سرعت مطلوب آغاز شود و امور کشور بر مدار آن قرار گیرد.

جنبه‌ها نگاه حقوقی به طور عام، نگاه حقوق عمومی به طور خاص و نگاه حقوق اساسی به طور اخص است. حقوق مجموعه‌ای از قواعد و دستورهای رفتاری الزام‌آور است که تنظیم بخش روابط اجتماعی و تعیین‌کننده رفتارهای منطبق با اهداف جامعه است. حقوق عمومی ناظر بر روابط بین مردم و حکومت بوده و حقوق اساسی به عنوان یکی از شاخه‌های آن، گونه‌ای از این روابط را که جنبه سیاسی دارند بررسی می‌کند. مهمترین منبع حقوق اساسی قانون اساسی و سپس قوانین ارگانیک است که دنباله موسع متن قانون اساسی به شمار می‌آیند. (قاضی، ۱۳۹۷: ۲۳-۳۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «رسالت» خود را پرورش انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی اعلام نموده و می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (مقدمه قانون اساسی)، لذا طبیعتاً قبل از تبیین ساختارهای سیاسی جامعه، صلاحیت‌ها و چگونگی اعمال قدرت از سوی آنان و حقوق و آزادی‌های افراد، در اصول اولیه خود به بیان «مبانی»، «اهداف» و راهبردها یا «تدابیر» تحقق آن پرداخته است (اصل دوم^۱ و سوم قانون اساسی^۲). بر این اساس هر سندی که در صدد تبیین یا توسعه

^۱ اصل دوم- جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
 ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
 ۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
 ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح.
 ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
 ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:
 - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،
 - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،
 - نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،
- قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.
- ^۲ اصل سوم- دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
۲. بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌های با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.

مفهومی این وجه از قانون اساسی باشد مورد مطالعه حقوق اساسی قرار می‌گیرد. در این مقاله نیز نسبت سند الگو با قانون اساسی مورد بررسی و نقد قرار گرفته و راهکارهای لازم برای اصلاح و تبدیل آن به سندی که بتواند راهنمای نهادهای سیاسی اعم از قوانین و ساختارها برای تحقق اهداف قانون اساسی باشد اعلام می‌گردد.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

این مقاله با توجه به جایگاه مهمی که رهبری نظام برای سند الگو قائل شده‌اند به دنبال پاسخ این سوال است که اولاً؛ جایگاه سند الگو نسبت به قانون اساسی کجاست؟ ثانیاً؛ «آیا سند ارائه شده فعلی (پیش‌نویس سند نهایی) به لحاظ شکلی و محتوایی می‌تواند در جایگاه خطیر در نظر قرار گرفته شده برای آن قرار گیرد؟» ثالثاً؛ در صورت منفی بودن پاسخ چه

۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
۶. محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
۷. تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
۱۲. پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
۱۴. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

راهکارهایی برای اصلاح و ارتقاء سند به عنوان سند بالادستی سیاست های کلی و سایر قوانین عادی وجود دارد؟ هدف اصلی از انجام پژوهش، ارتقاء شکلی و محتوایی سند موجود مسما به الگو، به جایگاه در نظر گرفته شده برای آن یعنی سند بالادستی سیاست های کلی نظام است تا بتواند نقش الگو و راهنمای خود در نظام سیاست گذاری و قانون گذاری را به نحو مطلوب ایفا نماید.

۳. پیشینه پژوهش

از زمان اعلام فراخوان نقد سند الگو، تاکنون جلسات متعددی در این زمینه برگزار و مطالبی منتشر شده است که برخی به صورت عام و برخی متکی بر دانشی خاص به نقد الگو پرداخته اند. لکن پژوهشی که به طور خاص از منظر جایگاه حقوقی سند به نقد آن بپردازد، ملاحظه نگردید با این حال به برخی موارد که قابلیت استفاده دارد اشاره می شود. لازم به ذکر است که به دلیل تازه بودن انتشار سند، عمده مطالب در پایگاه های الکترونیک یا فضای مجازی قابل دسترس بوده و کتاب و مقاله به ندرت یافت می شود. مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری در گزارشی با عنوان «بررسی انتقادی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت» نقد مهمی به سند وارد می نماید و آن این که نگارندگان، رسالت بیان شده را میثاق مردم و حکومت نامیده اند، اما این میثاق هیچگاه به رأی مردم گذاشته نشده است» (مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۵) که نوعی نقد به همتراز نمودن سند با قانون اساسی است. هم چنین به تکرار اسناد بالادستی در بخش مبانی و تدابیر اشاره می کند اما صرفاً این تکرار را در قانون اساسی دیده است (مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۸ و ۱۵).^۱ اما مرکز پژوهش های مجلس در گزارش خود با عنوان «ارزیابی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به این نکته که «اکثر عبارات بخش تدابیر مشابه سیاست های کلی موجود و حتی گاه ضعیف تر از آن است» اشاره می کند اما نقد خود را به نداشتن ایده نوآورانه و تدبیر بدیع محدود نموده (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۸: ۱۹) و به این نکته که اصولاً سند بالاتر از

^۱ <http://css.ir/Media/PDF/1398/03/21/636958727415303186.pdf>

سیاست‌های کلی است و باید محتوایش محاط باشد، اشاره نمی‌نماید. حجت‌الاسلام احمد رهدار در مطلبی با عنوان «نقد و بررسی واژگانی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» ضمن نقدهای حقوقی مانند عدم تعیین «نسبت مردم و منابع طبیعی از مجرای ولی که با فقه ما سازگار باشد» و خالی بودن جای واژگانی همچون فقه اجتماعی و فقه تمدنی، در این سند، نهایتاً می‌گوید: «اگرچه این سند در مقایسه با قانون اساسی به لحاظ پرداختن به مقوله‌ای همچون «تمدن نوین اسلامی» درخور تحسین است؛ اما مفاد آن تنها جمع‌بندی مباحث گذشته است و افق جدیدی نمی‌گشاید»^۱. حجت‌الاسلام پیروزمند در یادداشتی با عنوان «منطق الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت» با طرح این پرسش که نقطه تماس این الگو با سیاست‌گذاری‌هایی که تاکنون داشته‌ایم، در کجا قرار دارد؟ مدعی است که «اگر سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در طول این سال‌ها را تجمیع کنیم، از آنچه در این سند آمده است، کامل‌تر خواهد بود»^۲. محمد نعمتی نویسنده مطلب «نقدی جدی بر الگوی پایه اسلامی - ایرانی پیشرفت» برخلاف این مقاله که به دلیل جایگاه سند، لزوم حذف تدابیر را پیشنهاد داده از لزوم حذف مبانی و رسالت سخن گفته است^۳.

۴. چارچوب مفهومی

در این مقاله نقد سند الگو در چارچوب دانش حقوق اساسی اسلامی به عنوان دانش طراحی نظامات سیاسی اسلامی (اساسی‌سازی و تبدیل مبانی و آرمان‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به اسناد حقوقی) انجام یافته است. در این چارچوب، فقه نظام به عنوان متکفل زندگی مادی و معنوی مرکزیت داشته و سایر دانش‌ها به کمک آن می‌آیند. از آن جا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بالاترین سند حقوقی - فقهی نظام اسلامی است که به تصریح مقدمه آن «مباین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است» لذا این قانون به عنوان چارچوب مفهومی سند الگو در

^۱. <https://www.mehrnews.com/news/4597964>

^۲. <https://www.farsnews.ir/news/13980311000448>

^۳. <http://icir.ir//> نقدی - جدی - بر - الگوی - پایه - اسلامی - - ایرانی

نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که سند اولاً؛ باید مطابق این قانون باشد، ثانیاً؛ با آن مغایر نباشد، ثالثاً؛ تکرار آن نباشد بلکه به عنوان سند مکمل و واسطه، تحقق بخش اهداف آن در سیاست‌ها و قوانین پایین دستی باشد.

۵. روش تحقیق

این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و در قالب تحلیلی انتقادی به بررسی و نقد سند الگو می‌پردازد. گرچه خاص و تازه بودن سند از یک سو و نیز زاویه نقد آن در این مقاله و در نتیجه نبود منابع پژوهشی، انجام کار را سخت می‌نماید، اما فضایی برای ارائه دیدگاه ابتکاری را فراهم آورده است. بر همین اساس در این مقاله ابتدا به تبیین جایگاه سند در نظام حقوقی کشور پرداخته می‌شود؛ چرا که به نظر می‌رسد جایگاه اسناد حقوقی به لحاظ شکلی می‌تواند بر نحوه نگارش و محتوای آن تاثیر مستقیمی داشته باشد، سپس به آسیب‌شناسی بخش‌های مختلف الگو با نگاهی به اسناد دیگر پرداخته شده و در انتها پیشنهاداتی برای اصلاح و ارتقاء سند ارائه خواهد شد.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. جایگاه سند الگو در نظام حقوقی کشور

در مقام پاسخ به پرسش اول لازم است به این نکته توجه شود که از منظر دانش حقوق عمومی، هر سند صادره از یک مرجع حقوقی جایگاه مشخصی در سلسله مراتب حقوقی خواهد داشت. «سلسله مراتب در نظم حقوقی بدین معناست که تمامی هنجارهای موجود در نظم حقوقی بر اساس نظم خاصی سازمان یافته‌اند، بدین گونه که برخی از برخی دیگر تبعیت می‌کنند. هر هنجار فرودین اعتبار خویش را از هنجار فرازین می‌گیرد (ویژه، ۱۳۹۰: ۲۴۰). نگاهی اجمالی به ادبیات حقوقی مکتوب کشور نشان دهنده آن است که از منظر حقوق‌دانان، پس از قانون اساسی به عنوان بالاترین سند سیاسی- حقوقی کشور، سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری جایگاه دوم را در سلسله مراتب اسناد به خود اختصاص می‌دهد

(ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۴). لکن مقام معظم رهبری در فراخوان مورخ خود برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، به این سند تازه تدوین شده جایگاه ویژه‌ای بخشیده و از مجمع تشخیص مصلحت نظام خواستند تا این سند را «به عنوان چارچوب بالادستی سیاست‌های کلی مورد ملاحظه قرار دهد و پیشنهادهای تکمیلی برای حصول اطمینان از کفایت آن را در جایگاه یادشده ارائه کند و پس از ابلاغ نسخه نهایی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سیاست‌های کلی نظام را برای انطباق با الگو بازنگری نماید». بر این اساس می‌توان گفت که نسخه نهایی سند، از منظر ایشان جایگاهی بالاتر از سیاست‌های کلی دارد چنان که مجلس شورای اسلامی نیز باید ضمن ارائه نکات ضروری برای ارتقای آن، سند را به عنوان سند بالادستی قوانین برنامه‌ای کشور تلقی و در تهیه طرح‌ها و لوایح برنامه‌ای لحاظ نماید. لذا هرگونه آسیب‌شناسی سند «موجود» جهت تبدیل آن به سند «مطلوب» باید با لحاظ این جایگاه باشد که در ادامه به دلایل و نتایج آن اشاره خواهد گردید.

۲-۶. آسیب‌های ناشی از عدم توجه به جایگاه حقوقی سند

در صورت عدم اطلاع نویسندگان سند موجود از جایگاه نهایی آن در نظام حقوقی، بازهم می‌بایست نحوه نگارش آن به گونه‌ای باشد که تمایز آن را با سایر اسناد مشخص نماید. لذا اکنون که جایگاه سند مشخص گردیده، ضروری است آسیب‌های آن روشن گردیده و تمهیدات مبتنی بر آن برای اصلاح و ارتقاء محتوای سند صورت پذیرد. در خلال این امر پاسخ به پرسش دوم مقاله محقق می‌گردد.

۲-۶-۱. عدم تمایز سند الگو با سیاست‌های کلی (تکرار سیاست‌ها در تدابیر)

به نظر می‌رسد یکی از دلایل برتری دادن سند الگو بر سیاست‌های کلی، همان ویژگی الگویی آن یعنی تبیین مبانی، آرمان‌ها و رسالت‌های نظام جمهوری اسلامی برای تحقق پیشرفت آن باشد که جنس آن را از سیاست‌های کلی -که صرفاً نوعی بایدها و نبایدهای کلی برای تحقق آرمان‌هاست^۱- متفاوت ساخته و به ادبیات قانون اساسی -که «مبیین نهادهای فرهنگی،

^۱ بر اساس مصوبه مورخه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی، این سیاست‌ها

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است^۱ و برخی اصول آن به ویژه اصول دوم و سوم به تبیین مبانی و اهداف نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد- نزدیک و تالی تلو آن می‌سازد. در واقع می‌توان سند الگو را یک «سند انتظار» یا سند «چشم انداز» دانست که قرار است آن چه مطلوب قانون اساسی است بوده اما قابلیت طرح در آن را نداشته تبیین نماید و سپس سیاست‌های کلی نظام بر اساس آن شکل گیرد. اما در نظر گرفتن بخشی در سند تحت عنوان تدابیر و عدم تبیین تفاوت آن با سیاست‌های کلی در تعریف و محتوا، سند را از جایگاه خود خارج نموده است. توضیح آن که مقدمه سند، تدابیر را «تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به‌منظور رسیدن به افق» (<http://www.olgou.org>) دانسته و مشخص نموده که اولاً؛ تفاوت این تعریف با تعریف سیاست‌های کلی چیست؟ ثانیاً؛ وجود چنین بخشی در یک سند چشم انداز چه ضرورتی دارد؟ نتیجه این بی‌توجهی آن است که بخش «تدابیر» سند کاملاً به لحاظ ادبیات مشابه سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله بوده و حتی در بسیاری از موارد «تکرار» آن است. برای نشان دادن شباهت تدابیر با برخی سیاست‌های کلی به چند مورد اشاره می‌شود:

بند ۷ تدابیر: تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری

بند ۳ امور فرهنگی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه: تقویت قانونگرایی، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، خودباوری، روحیه کار جمعی، ابتکار، درستکاری، قناعت، پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقاء کیفیت در تولید.

بند ۹ تدابیر: تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی سالم و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت در همه ابعاد

برای تحقق آرمان‌ها و اهداف پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند.
^۱ مقدمه قانون اساسی

سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ‌سازی درباره‌ی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

بند ۲۲ تدابیر: بهره‌گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی در کسب فناوری‌های پیشرفته و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و حمایت از صادرات تولیدات داخلی با ارزش افزوده

بند ۶۰ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز

بند ۴۱ تدابیر: اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه‌ی آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری

بند ۱۲ امور اجتماعی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه: تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

بند ۵۵ تدابیر: ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین

سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه: پیگیری حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان به ویژه ملت مظلوم فلسطین در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

بند ۵۶ تدابیر: تأکید بر چندجانبه‌گرایی، گسترش دیپلماسی عمومی و کمک به حکمیت و صلح بین‌المللی

بند ۶۳ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی.

همان گونه که ملاحظه می‌شود بخش تدابیر سند کاملاً مشابه با سیاست‌های کلی بوده و مشخص نیست تفاوت این تدابیر با سیاست‌های کلی چیست؟ و از آن مهم‌تر چون طبق نظر مقام

معظم رهبری، سند الگو سند بالادستی سیاست‌های کلی است لذا می‌بایست بندهای سند الگو کلی‌تر از سیاست‌های کلی و راهنمای آن باشد. بنابراین به نظر می‌رسد می‌بایست نسبت تدابیر با سیاست‌های کلی روشن شود که در صورت تساوی، وجود آن در سند حشو و زائد است و باید حذف شده و اتخاذ آن به سیاست‌های کلی که قرار است بر اساس سند الگو تصویب یا اصلاح شود واگذار گردد ولی اگر با سیاست‌های کلی متفاوت و وجود آن در سند ضروری باشد باید محتوایی متفاوت و بالادستانه نسبت به سیاست‌های کلی برای آن در نظر گرفته شود.

۲-۲-۶. فقدان ارتباط سند الگو با قانون اساسی (تکراری و شعاری بودن)

همان گونه که قبلاً بیان شد، سند الگو تالی تلو قانون اساسی است لذا باید در تدوین مبانی، آرمان‌ها و رسالت‌های آن، از مقدمه و اصول قانون اساسی به عنوان اصول راهنما بهره جست و برای تحقق آن در اسناد پایین دستی الگو ارائه نمود. به عبارت دیگر سند الگو در برخی موارد باید شرح مبسوط اصول قانون اساسی باشد که چنین اتفاقی رخ نداده است. به طور مثال اگر اصل دوم قانون اساسی به «یکتا بودن خداوند و اختصاص حاکمیت و تشریح به وی و نیز عدل خدا در خلقت و تشریح» اشاره می‌کند، سند الگو می‌تواند ابعاد این توحید و عدالت را در قانونگذاری، اجرا و ... تبیین و تشریح نماید تا الگوی سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری و عمل نهادهای ذی ربط بوده و برای جامعه علمی و عموم مردم این مبانی را به طور واضح تبیین نماید لکن «مبانی خداشناسی» سند صرفاً به مساله «خدا محوری و توحید، اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی مؤمنان و مالک و حاکم مطلق هستی بودن» و «عادل در تکوین، تشریح و سزادهی» خداوند اشاره می‌کند که اولاً؛ تناسبی با اصل یاد شده ندارد (به توحید در تشریح اشاره ندارد) ثانیاً؛ نهایتاً تکرار اصل یاد شده است و حرف جدیدی نداشته و بیشتر جنبه شعارگونه دارد چراکه افراد با مراجعه به قانون اساسی می‌توانند همین مفاهیم را دریافت کنند و دیگر نیازی به تدوین سند الگو نیست. هم چنین قانون اساسی رسالت خود را ایجاد شرایطی برای «پرورش انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی» اعلام نموده و قانون اساسی را زمینه ساز «تداوم انقلاب در داخل و خارج کشور» معرفی می‌کند تا با «دیگر

جنبش‌های اسلامی و مردمی راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند» و در واقع برای خود رسالتی جهانی قائل است. لذا انتظار آن است که سند الگو نیز در همین چارچوب گام بردارد لکن سند الگو تنها «رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران» را «ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران» اعلام نموده که اگر نگوییم بعد جهانی ندارد دست کم باید گفت که در این زمینه واجد ابهام است و مشخص نیست که به دنبال امت واحد جهانی است یا صرفاً به دنبال ایجاد یک تمدن در نیم قرن آینده است؟

این که تدوین کنندگان سند چه میزان به لزوم ارتباط سند با قانون اساسی توجه داشته‌اند مشخص نیست اما یکی از اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به این پرسش که «اگر قانون اساسی با بخش‌هایی از این سند مقابله داشته باشد، چه کار باید کرد؟» چنین پاسخ می‌دهد: «قانون اساسی جایگاه ویژه‌ای دارد که به راحتی نمی‌توان این قانون را تغییر داد؛ ولی به هر حال اشکالی ندارد که با توجه به اینکه این برنامه‌ها سال‌ها پس از قانون اساسی تدوین می‌شود، قطعاً این برنامه می‌تواند نکات و ویژگی‌هایی داشته باشد که بازبینی بر روی قانون اساسی انجام شود»^۱. این در حالی است که این سند باید تابع قانون اساسی باشد و نمی‌تواند آن را تخصیص بزند و تنها می‌تواند تبیین کننده آن باشد که این مورد نیز قابل مشاهده نیست.

۳-۶. آسیب‌های ناشی از عدم توجه به تدوین سند در چارچوب نظام حقوقی دولت اسلامی - ایرانی

برای پاسخ به پرسش سوم مقاله لازم است ابتدا برخی آسیب‌های سند روشن گردد تا بتوان برای رفع آن پیشنهادات لازم را ارائه داد.

۳-۶-۱. انتزاعی بودن و عدم تمایز با سایر جوامع

از آن جا که این سند قرار است در جمهوری اسلامی ایران و در وهله اول برای شهروندان حکومت اسلامی به اجرا درآید ضروری است در کنار تبیین مباحث انسان‌شناسی به طور کلی،

^۱ <http://www.qomnews.ir/news/75100>

به حقوق و تکالیف شهروندان حکومت اسلامی نیز پرداخته و به عبارت دیگر بین «حقوق بشر» با «حقوق شهروندی» تمایز قائل شده تمرکز خود را بر مورد دوم قرار دهد. این در حالی است که سند الگو صرفاً بر روی ابعاد حقوقی «انسان» تمرکز نموده از تبیین حقوق امت اسلامی غفلت نموده است. به طور مثال در بخش مبانی انسان شناختی اشاره به این که «انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری از دادرسی عادلانه است» فارغ از تکرار برخی مفاهیم مذکور در قانون اساسی، صرفاً ناظر به تمامی انسان‌ها بوده امری انتزاعی است و ابعاد حقوق و آزادی‌های یک شهروند مسلمان و انتظارات از وی را در چارچوب حکومت اسلامی روشن نمی‌سازد. این در حالی است که «حقوق شهروندی در جایی مطرح می‌گردد که حقوق بشر قرار است درون یک جامعه مدنی با در نظر گرفتن اولویت‌های زندگی اجتماعی از جمله اخلاق عمومی، مصالح عمومی، بهداشت عمومی، امنیت عمومی، منافع عمومی، ذیل یک حکومت خاص و در سرزمینی خاص در مورد مردمی خاص شکل قانونی و اجرایی به خود گیرد» (جاوید، ۱۳۸۸: ۳۳). از سوی دیگر، این امر موجب گردیده که برخی عبارات سند اقتضای خاص اسلامی- ایرانی نداشته و تمایز آن با مبانی غربی روشن نباشد؛ به طور مثال عبارت «انسان موجودی اجتماعی است و تأمین بسیاری از نیازها و شکوفایی استعدادها را در بستر تعامل و مشارکت جمعی جستجو می‌کند.» در مبانی انسان شناختی و یا عبارت «تغییرات اجتماعی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، جمعیتی و انسانی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، دانشی و فناورانه پدید می‌آید» در مبانی جامعه شناختی، چه تفاوتی با مبانی غربی دارد و اصولاً چه مشکلی را حل می‌کند؟ این که در بند ۴۹ تدابیر به «اجرای کامل ضمانت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی، اجتماعی، آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه» اشاره شود نیز جز طرح یک شعار نبوده و «الگو»یی برای نظام قانونگذاری، اجرایی و قضایی تحقق آن چه در قانون اساسی آمده ارائه نمی‌دهد. به عبارت دیگر زمانی این سند کاربردی خواهد شد که برای پرسش‌های

مهمی که در حوزه حقوق و آزادی‌ها وجود داشته و قانون اساسی در مورد آن‌ها ساکت است مبنا ارائه نماید؛ مانند این که بگویند در صورت تزامن حقوق فردی و جمعی یا آزادی و امنیت (که اصل ۹ قانون اساسی در مورد آن ساکت است)، کدام یک بر دیگری تقدم و اولویت دارد؟ یا این که دولت در مسیر مبارزه با مظاهر فساد (اصل دوم قانون اساسی) وظیفه نظارت پیشینی دارد یا پسینی؟ و الا این که «جامعه نافی هویت فردی، اختیار و مسئولیت اعضا نیست» امری بدیهی است که در حد کلیات است.

۲-۳-۶. عدم ترسیم ابعاد و مبانی حقوقی دولت اسلامی مطلوب محقق کننده و پیشران

سند

سند الگو تنها زمانی محقق می‌گردد که نظام دیوان سالاری متناسب با آن وجود داشته باشد و لذا تبیین دولت مطلوب باید بخش مهمی از سند را به خود اختصاص دهد، این در حالی است که سند در این زمینه خلا جدی دارد. توضیح آن که گرچه قانون اساسی در اصول متعددی به تبیین وظایف قوای سه گانه و برخی نهادهای حاکمیتی پرداخته است اما به اقتضای ویژگی قانون اساسی، نتوانسته است ارتباط ساختارمند این قوا را به ویژه از منظر انگیزه‌ها و باورهای انسانی یا مشروعیت و مقبولیت - که پیوند دهنده امام و امت و موتور محرک نظام دیوان سالار است - را تشریح نماید. به طور مثال گرچه اصل ۵۷ قانون اساسی به استقلال قوا و زیر نظر ولایت امر بودن آنان اشاره دارد اما اهداف و مبانی واضعان قانون اساسی مانند این که: «اصل ولایت فقیه جامع الشرایط تقلید ... که ولایت و مسئولیت قوای سه گانه مجریه و مقننه و قضائیه را دارد یعنی ریاست جمهوری... ریاست مجلس شورای ملی ... و رد فروع به اصول اسلامی که مقام فتوا و قضاوت است. تصدی این مناصب در اسلام و مذهب حقه جعفری حق مسلم فقیه جامع الشرایط تقلید است که روشن به مسائل روز باشد یا خود ایشان متصدی این امور باید باشد یا نماینده‌ای ... انتصاب نماید»، «رهبری مملکت باید نظارت و مراقبت بر قوای سه گانه را برعهده گیرد زیرا تعیین قضات و تصدی امور حسبیه و استنباط احکام از

۱. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۵۱-۵۲

شئون مجتهد است»^۱، «مساله تفکیک قوا مساله‌ای است مورد بحث حتی در غرب ... همه تفکیک قوا را چیز مطلوبی نمی دانند ... در اسلام تفکیک قوا هست یا نه؟ من تصور می‌کنم که مقام ولایت در اسلام قوه مجریه است، قوه مقننه هم هست ... ظاهراً مجلس مقننه نباید داشته باشیم، مجلس، مجلس شورا است...»^۲ را تبیین نموده است که این مساله یعنی صلاحیت و میزان دخالت ولی فقیه در قوای سه گانه امروز خود یکی از چالش‌های نظام گردیده است. منظور از این سخن این نیست که سند الگو به تفسیر قانون اساسی - که وظیفه شورای نگهبان است - پردازد بلکه می‌تواند دست کم آن چه از یک دولت اسلامی مطلوب انتظار می‌رود را بیان نماید. لذا اشاره بندهای ۴۴ و ۴۵ تدابیر سند به «گسترش فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه» و «حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی» هیچ باری را از دوش نظام اسلامی برنداشته و گامی به جلو نخواهد بود.

۳-۳-۶. آسیب‌ها و خلاهای مربوط به تعاریف

با عنایت به این که اولاً؛ قانون اساسی ظرفیت تبیین همه مفاهیم پایه‌ای حقوقی - سیاسی را ندارد، ثانیاً، طی ۴۰ سال پس از تصویب قانون اساسی نقاط ابهام موجود در اصول آن از حیث تعریف واژگانی به ویژه تفاوت آن با مشترکات لفظی با قانون اساسی سایر کشورها تا حد زیادی روشن شده است، سند الگو می‌توانست بدون نیاز به تغییر قانون اساسی نقش موثری در این زمینه ایفا نماید لکن علاوه بر وجود برخی ایرادات در تعاریف عمومی ارائه شده در سند مانند یکسان قراردادن آرمان‌ها با ارزش‌ها (آرمان یک ملت تحقق ارزش‌ها است)، عدم ارائه تعریف از برخی واژگان مانند «تقوای عمومی» و حتی مفاهیم پایه مانند پیشرفت، یا عدم اشاره به نشاط و ابتکار، مرزشکنی، ارتباط بین دنیا و آخرت (افق)، نیز عدم اشاره به پیامبران الهی و ادیان توحیدی (مبانی دین شناختی)، باید به برخی آسیب‌ها یا نقاط خلا در سند اشاره نمود که

^۱. پیشین، ص ۸۰.

^۲. پیشین، ص ۶۲.

به عنوان یک سند حقوقی بالادستی انتظار می‌رفت تبیین کننده آن در عرصه حقوق اساسی اسلامی باشد. از جمله این موارد می‌توان به ابهام در رابطه سند با قانون اساسی (تعریف بخش رسالت سند به میثاق مشترک مردم و نظام یعنی برابری آن با قانون اساسی)، عدم تبیین مفاهیم حقوقی مانند کرامت اکتسابی، رابطه حق و حکم، رابطه حق ... و حق الناس یا حقوق عمومی و خصوصی (مبانی انسان شناختی)، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ... اشاره نمود. به طور مثال، یکی از تفاوت‌های مهم نظام حقوقی اسلام با نظام‌های غربی در تمایز بین کرامت ذاتی و اکتسابی است که آثار آن در نظام حقوق اساسی (تعیین دین و مذهب رسمی، تعیین حقوق اقلیت‌ها) و نظام حقوق کیفری (تعیین نوع کیفر برای مجازات) و ... متبلور می‌گردد. با این حال در مورد کرامت ذاتی نیز بین علمای شیعه اختلاف نظرهایی وجود دارد به گونه‌ای که برخی از آنان در عوض کرامت ذاتی قائل به کرامت اقتضایی انسان هستند چرا که معتقدند انسان‌ها ممکن است با ارتکاب برخی اعمال از حیوانات پست‌تر شوند^۱ که سند در این زمینه تعریفی روشن و تعیین کننده ارائه نداده است. هم چنین «حق تعیین سرنوشت» یکی از حقوقی است که این سند برای مردم مسلم شمرده اما هیچ تعریفی از آن ارائه نکرده است^۲ و مهمتر آن که استفاده از این لفظ وارداتی نوعی پس رفت نسبت به قانون اساسی است که از تعبیر حاکمیت خداوند بر انسان و حاکمیت مع الواسطه انسان بر سرنوشت اجتماعی^۳ استفاده نموده و جا داشت سند الگو به تبیین این عبارت بی مانند در قوانین اساسی - که خود معرکه آراء حقوقی است - می‌پرداخت. بر همین روال برخی ضمن بیان تفاوت بین «حق» در غرب و اسناد حقوق بشری با «حکم» در اسلام، پیشنهاد کرده اند که به جای کلمه «حق»، از واژه «حکم» در ماده^۴ مبانی انسان شناسی^۴ استفاده شود^۱.

^۱ برای ملاحظه برخی تفاوت‌ها ر.ک: سبحانی نیا، محمد، کرامت اقتضایی انسان در بوته نقد، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۲۲، ۱۳۹۴.

^۲ <http://www.bou.ac.ir/Portal/home/?news/178643/693989/761715>

^۳ - اصل پنجاه و ششم قانون اساسی: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

^۴ ماده ۶ ... «با توجه به مبادی پیش گفته، انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دین داری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری از دادرسی عادلانه است»

۷. پیشنهادات عبارتی

همان گونه که گفته شد سند الگو - که بنا به تدبیر و تعبیر مقام ولی فقیه، از ابتدای قرن پانزده هجری شمسی امور کشور بر مدار آن قرار خواهد گرفت - باید به عنوان مبنای تدوین سیاست‌های کلی و سایر قوانین کشور، دارای ادبیات متمایزی از این اسناد بوده و در واقع نوعی انتظارات از جامعه اسلامی مطلوب را تبیین نموده تا سایر اسناد آن را به عنوان چراغ راه و چارچوب «مطلوب» مدنظر قرار داده و مبتنی بر آن بایدها و نبایدهای لازم در نظام حقوقی تدوین گردد. بر این اساس و با عنایت به بی‌سابقه بودن این سند در نظام حقوقی کشور، یافتن نوعی ادبیات متمایز خود نیازمند نوعی ابتکار است که در ادامه چند عبارت به عنوان نمونه برای بررسی و نقد سایر صاحب نظران پیشنهاد می‌گردد:

- در جامعه اسلامی ۱۴۴۴ آحاد جامعه «واجب» دینی را نه یک «تکلیف» و «بار تحمیلی» بلکه یک «ضرورت» برای حیات مادی و معنوی و «حق» خود می‌دانند.
- در جامعه اسلامی ۱۴۴۴ کارگزاران نظام تا پایین‌ترین رده خود را مجری احکام شرع و تدابیر امام جامعه دانسته و بین وظیفه دینی و قانونی خود تفاوتی قائل نیستند.
- آخرت نه امری در آینده بلکه امری کنونی است که در نتیجه اعمال انسان‌ها در حال ساخت است و لذا مردم بین اعمال صالح خود و نزول برکات در زندگی رابطه مستقیم می‌بینند.
- در جامعه اسلامی ۱۴۴۴ شبهات مردم به دلیل شفافیت حداکثری عملکرد مسئولان به حداقل می‌رسد و مردم می‌توانند بدون دغدغه از مسئولان پرسشگری و آنان را امر به معروف و نهی از منکر نموده و مفساد را با رعایت شرایط افشا نمایند.
- آموزش و پرورش از حفظ‌محوری به مهارت‌محوری سوق یافته و فارغ‌التحصیلان مدارس دارای مهارت ارتباط با دیگران، نقد صحیح مسئولان، همسریابی، انتخاب شغل مناسب و دارای شجاعت، سلامت بدنی و ایمان خواهند بود.

¹ -<https://www.mehrnews.com/news/4597964>

- نظام تقنینی مبتنی بر تصویب قوانین مطابق شرع و قانون اساسی و نه صرفاً عدم مغایر با آن است.

۸. نتیجه‌گیری

با عنایت به آن چه بیان گردید و توجه به این که سند الگو سندی است پایین‌تر از قانون اساسی و بالاتر از سیاست‌های کلی، می‌توان گفت سند نوعی «سند انتظار» است که می‌تواند جایگزین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله شود و لذا باید:

اولاً؛ به دنبال تبیین مبانی، رسالت و آرمان قانون اساسی باشد، ثانیاً؛ ادبیات آن ابتکاری، متفاوت از قانون اساسی و سیاست کلی، حل‌المسائلی و فاقد شعار باشد، ثالثاً؛ ناظر بر ارائه الگوی مطلوب نظام اسلامی، دولت اسلامی (تقنین-قضا-اجرای مطلوب)، جامعه اسلامی (مقدمه تمدن اسلامی) و چگونگی سیر آن باشد، رابعاً؛ قابل ارائه به سایر جوامع باشد، خامساً؛ دارای راهبرد و فاقد تدبیر باشد (اتخاذ تدابیر در سیاست‌های کلی مبتنی بر الگو صورت پذیرد). یکی از موارد هم سو با این الزامات، بند ۵۱ تدابیر سند است که به «گزینش مسئولان و مدیران بر مبنای التزام عملی آنان به حد کفاف در معیشت» اشاره می‌نماید که در واقع نه تدبیر (منظور از تدبیر یک دستورکار اجرایی مشخص است) بلکه یک راهبرد است که ادبیات آن متفاوت از سیاست‌های کلی و به نوعی مبنای یک سیاست بوده و ناظر به حل یک مساله است. باید توجه داشت که طبق این نظر، گرچه بخش تدابیر از سند حذف می‌شود لکن باید سند به بخش‌های مختلف شامل نظام حقوقی-سیاسی، نظام تربیتی و نظام فرهنگی اجتماعی مطلوب تقسیم شود که در این صورت سند الگو بسیار حجیم‌تر خواهد گردید. ذکر این نکته ضروری است که تمامی اقدامات یادشده نیازمند توجه بیشتر به دانش فقه به عنوان تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور (صحیفه امام، ۲۸۹) و استفاده از دانش حقوق اساسی به منظور تجمیع مبانی، آرمان‌ها و اهداف در یک سند فقهی-حقوقی است.

منابع

۱. ابوالحسنی، محسن، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی؛ بررسی مفهوم سیاست‌های کلی نظام، پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش شماره ۱۹/۱۳۹۵، ۰۴/۰۵/۱۳۹۵.
۲. جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸). نظریه نسبیّت در حقوق شهروندی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۴). «کرامت اقتضایی انسان در بوته نقد»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۲۲، ۱۰۷-۱۳۶.
۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، (۱۳۶۴). اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد اول.
۵. ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). مبانی نظری و ساختاری دولت حقوقی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
۶. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل (۱۳۹۷). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ پنجاه و هفتم.
۷. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، بررسی انتقادی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، کد گزارش ۱۹۸-۹۸، ۱۳۹۸/۱/۱۸، به آدرس:
<http://css.ir/Media/PDF/1398/03/21/636958727415303186.pdf>
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ارزیابی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گزارش شماره ۱۶۴۵۸، ۱۳۹۸/۳/۱۲، به آدرس:
<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1146088>
9. <http://css.ir/Media/PDF/1398/03/21/636958727415303186.pdf>
10. <https://www.mehrnews.com/news/4597964>
11. <https://www.farsnews.ir/news/13980311000448/>
12. <http://iclh.ir/> نقدی-جدی-بر-الگوی-پایه-اسلامی--ایرانی
13. <http://www.bou.ac.ir/Portal/home/?news/178643/693989/761715>
14. <https://farsi.rouhollah.ir/library/sahife-imam-khomeini/vol/۲۱/page/۲۸۹>
15. http://conference.olgou.ir/page_665.html

16. <http://www.olgou.org>

اسناد

۱۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۸. سیاست‌های کلی برنامه پنجم و ششم توسعه کشور
۱۹. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۲۰. فراخوان مقام معظم رهبری برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت
۲۱. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد سیاست‌های کلی مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۳

